

مهاجران ناکام؛  
تعداد کشته‌های مهاجران  
جیبوتی به ۵۲ تن رسید

مریم علامه زاده

بر اساس اعلام آژانس پناهجویان سازمان ملل متحد، روز پنجشنبه (یازدهم بهمن ماه) تعداد کشته‌های دو قایق غرق شده مهاجرانی که از جیبوتی به سمت یمن می‌رفتند به ۵۲ نفر افزایش یافت. این سازمان از رهبران منطقه‌ای خواست تا برای جلوگیری از چنین فجایع در دناکی اقدام کنند.

خبرگزاری فرانسه گزارش کرد نایجانی که در منطقه شمال شرق جیبوتی با نام اوبوک فعالیت می‌کند، همچنان مشغول جستجو برای یافتن اجساد بیشتر در ساحل کشور شاخ آفریقا بعد از واژگونی دو قایق مهاجران در اواسط هفته گذشته هستند. غرق شدن این قایق‌ها که به گفته نجات یافتگان در حال حمل مهاجران اتوپیایی بوده است، آخرین رویداد در دناک در این مسیر پرخطر است که از سوی مهاجران آفریقایی برای رفتن به خاورمیانه و یافتن شغل استفاده می‌شود.

لالینی ویراسامی، رئیس عملیات سازمان بین‌المللی مهاجران (IOM) در جیبوتی به خبرگزاری فرانسه گفت: هیچ انسانی شایسته چنین بدبختی نیست. این وظیفه بازیگران و رهبرانی است که در این منطقه فعالیت می‌کنند تا جلوی چنین فجایع غمباری که منجر به گرفتن جان افراد بی‌گناه می‌شود را بگیرند. تعداد ۵۲ نفر کشته رقی است که جدیداً اعلام شده در حالی که این عدد روز چهارشنبه (دهم بهمن ماه) برابر با ۴۳ تن بود. ویراسامی همچنین رقم ۱۶ نجات یافته را اصلاح کرد و گفت تنها ۱۵ نفر از دو قایق نجات پیدا کرده‌اند و عدد قبلی اشتباهی بود که در آمار IOM صورت گرفته بود.

تعداد افرادی که در گیر این حادثه شده‌اند به‌طور دقیق مشخص نیست اما IOM معتقد است که یکی از قایق‌ها ۱۳۰ مسافر را حمل می‌کرده است. آیدی محمد، نجات یافته ۱۵ ساله در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه گفت او به همراه حدود ۸۰ نفر اتوپیایی دیگر سوار یکی از قایق‌های غرق شده بوده است.



او با بیان اینکه از سوی نیروهای گارد ساحلی از آب بیرون کشیده شده بود گفت: تنها چیزی که به یاد می‌آورم این است که کاپیتان گفت موتور یک مشکل جدی پیدا کرده است و قایق غرق می‌شود. بعد از آن نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد.

وی ادامه داد: این بدترین اتفاقی بود که در کل دوران عمرم تجربه کرده بودم؛ هر چند که من مدت زیادی در دریای منامندم، اما از خدا ممنونم که مسران نجات داد. جیبوتی که در حاشیه تنگه باب‌المنندب رو به یمن و در کنار سومالی و اتیوپی واقع شده است، در سال‌های اخیر به هاب مهاجرتی برای مهاجرانی بدل شده است که قصد دارند برای کار به شبه‌جزیره عربی بروند؛ منطقه اوبوک در جیبوتی به عنوان بندر مهاجران استفاده می‌شود. باوجود بزرگ‌ترین بحران بشری در یمن، مهاجران همچنان به این کشور فرار می‌کنند.

مقامات سازمان ملل عنوان می‌کنند که ۸۰ درصد جمعیت یمن (۲۴ میلیون نفر) نیاز مبرم به امداد جهانی دارند و ۱۰ میلیون نفر در مرز قحطی هستند؛ بسیاری از یمنی‌ها نیز به جیبوتی گریخته‌اند.

از طرفی سازمان ملل متحد عنوان می‌کند که بسیاری از مهاجرانی که پای پیاده به یمن می‌روند، در معرض سوءاستفاده و آدم‌ربایی قرار می‌گیرند. باین حال جریان مهاجرت به این کشور ادامه دارد و در سال ۲۰۱۷، ۱۰۰ هزار مهاجر به یمن وارد شدند. همواره ثابت شده است که عبور از دریا خود موضوعی بسیار خطرناک است. سال گذشته، حداقل ۳۰ مهاجر سومالیایی و اتوپیایی که احتمالاً به سمت جیبوتی در حرکت بودند در حال عبور از دریا غرق شدند. در همین حال گزارش‌هایی دریافت شد که به قایق این افراد بر روی دریا شلیک شده بود، اما عاملان آن مشخص نشدند.

تحلیل نیویورک تایمز از منازعه عمیق در دل ونزوئلا

## مسأله فراتر از تغییر رئیس جمهوری است



سیدمحمد میرزا محمدزاده

یک کودتا، دولت انتقالی، انتقال صلح‌آمیز قدرت یا قدرت بخشیدن به رهبر کنونی را بررسی می‌کنند، آن‌ها راهی را برمی‌گزینند که برای منافعی امن باشد و حمایت کافی از دیگر بازیگران قدرتمند را برای پیشروی جلب کند.

پروفیسور سینگ می‌گوید: مشروعیت همواره به‌عنوان پوششی برای یک گزینش انتخابی استفاده می‌شود نه آنکه خودش یک گزینه باشد.

همین مسئله منجر به فروپاشی ونزوئلا شده است.

زیرساخت سیاسی در هم شکسته است. دولت‌های خارجی شامل ایالات متحده و روسیه، در حال منازعه بر سر مسائل پوچ هستند که آن‌ها را از متحد شدن باز می‌دارد. حتی شهروندان ونزوئلا که آن‌ها باید برای زنده ماندن دست‌وپنجه نرم کنند همچنان دچار شکاف شده‌اند.

برخی به‌ویژه در بین فقرا همچنان از ایده‌های هوگو چاوز معلم و رهبر پیش از مادورو، حمایت می‌کنند. در ارتش هم اگر چه برخی خواهان اخراج مادورو هستند، باین حال بدنه و رهبری ارتش همچنان وفاداری خود به وی را حفظ کرده است.

به‌طور مثال رهبرانی همچون شاه ایران و حسینی مبارک مصر زمانی از قدرت پایین کشیده شدند که بازیگران قدرتمند کشورشان با یکدیگر متحد شدند تا آن‌ها را اخراج کنند و از ناآرامی‌های مدنی بهره‌گرفتند تا با به رخ کشیدن از دست‌رفتن مشروعیت، با آن‌ها مقابله کنند.

معتزسانی که خیابان‌های کاراکاس راهفته پیش‌اشغال کردند در کنار گوایدو با مادورو به‌عنوان یک رئیس‌جمهور غیرقانونی مقابله می‌کنند؛ باین حال گوایدو توانست قدرت‌های کافی را در کشور مجاب کند که وی جایگزینی مناسب است.

ادعاهای متناقض وی، کشیدن یک مرز شفاف بین برحق و ناحق، انقلاب یا کودتا و نجات یا قربانی

مادورو ظاهر آن قدر نسبت به تسلط خود بر سران ارتش مطمئن است که هنوز از سر باز نخواست که به خیابان بریزند و اعتراضات را سرکوب کنند

کردن دموکراسی را سخت کرده است.

نتیجه این داستان ونزوئلایی معلول است که باوجود دو سال فروپاشی گسترده و غیرقابل اجتناب، همچنان در حمال ادامه است و کشور را بیشتر به قعر بحران فرومی‌برد.

پیروزی به‌وسیله ارتش پیچیدگی رقابت بین رهبران ونزوئلا در رقابت برای عرضه وفاداری ارتش توجیه می‌شود.

گوایدو رهبر مخالفان در یادداشتی که برای نیویورک تایمز نوشت گفت: پایان دادن به حمایت ارتش از مادورو برای فعال کردن تغییر در کشور ضروری است.

هر کسی که جرمی علیه بشریت مرتکب نشده باشد، در صورت قطع حمایت از مادورو عفو می‌شود. چنین پیامی اگر به شکل عمومی عنوان می‌شد، بیشتر اعتبار می‌یافت؛ چراکه وعده‌دهندگان چنین تضمینی را نسبت به حرف‌هایشان ملزم می‌کرد.

باین حال مادورو و چیزهای بیشتری برای وعده دادن دارد. گفته می‌شود که او مجوز کنترل نظامی مسیرهای قاچاق مواد را به‌عنوان یکی از منابع درآمد به نیروهای مسلح اعطا کرده است. این موضوع پذیرش شکست را برای افسران نظامی دشواری می‌کند؛ چراکه دولتی دیگری می‌تواند آن‌ها را به دلیل جرائم قاچاق مواد مخدر محاکمه کند.

این شیوه پیش‌تر در تاریخ جواب داده بود. وقتی رئیس‌جمهور گامبیا، کشور کوچک در آفریقای غربی، بعد از شکست در انتخابات و از دست دادن حمایت مدنی و نخبگان و دولت‌های غربی از کناره‌گیری خودداری کرد؛ ارتش همچنان با او ماند؛ یکی از دلایل این حمایت استفاده رئیس‌جمهور از ارتش برای سرکوب‌های گسترده بود که اگر وی از قدرت برکنار می‌شد،



قدم به میان می‌گذارند.

حتی وقتی ارتش هادر مورد نتیجه تصمیم می‌گیرند، آن‌ها معمولاً از یک قدرت خارجی دعوت می‌کنند که پس‌پیش‌بگذار د تا مشروعیت دولت جدید اثبات شود. زمانی که ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که رئیس‌جمهور مصر دیگر برحق نیست، ارتش سریعاً این پیام را به‌درستی دریافت کرد که می‌تواند بدون اینکه باعث ناراحتی آمریکا شود، وی را از قدرت پایین بکشد. ارتش زیمبابوه به‌شدت در معرض اتهام است که شاید در زمان براندازی را برت موگابه، رئیس‌جمهور این کشور در سال ۲۰۱۷، تأیید چین به‌عنوان سرمایه‌گذار بزرگ در این کشور را اخذ کرده باشد.

اما ونزوئلا بین دو سری از دولت‌های خارجی گیر افتاده است که هر کدام چیزهای متفاوتی می‌خواهند؛ موضوعی که تصمیم‌گیری برای رهبران ونزوئلا را ناممکن کرده است و نمی‌دانند به کدام کشور اعتماد کنند که برنده حمایت بین‌المللی باشند.

در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند. بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

حتی در ونزوئلای غرق در بحران، هر نتیجه‌ای در بین نخبگان و دولت‌ها، همچنان باید به تأیید شهروندان کشور برسد. تنها از این مسیر است که قدرت‌ها مطمئن می‌شوند که می‌توانند مشروعیت خود را برای حکومت بعدی به دست آورند

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند. بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و نخبگان مدنی ابراز کنند که از رهبری کنونی خسته شده‌اند و مشتاق به همکاری با دولت جدید به‌عنوان حاکم برحق هستند. این موضوع برای نخبگان اهمیت دارند که بشنوند انتقال قدرت می‌تواند برای آن‌ها ثبات و نجات اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

اما پس از آنکه سال گذشته چندین بار گزارش شد که دولت ترامپ برای تصمیمات کودتا به‌وسیله افسران شورشی ونزوئلایی مذاکره کرده است، تمایلات آمریکا برای واکنش بسیار مشکوک به نظر می‌آید که تضمین هر گونه انتقال قدرت یا میانجی‌گری برای راهکار مسالمت‌آمیز را دشوار می‌کند. دولت‌های روسیه و کوبا بیشتر به سمت مادورو تمایل دارند اما مخالفت آن‌ها با دولت‌های راست‌گرای آمریکای لاتین قابل اعتماد بودن آن‌ها را در بین دیگر کلاس‌های سیاسی زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر منازعات شدیدتر این کشورها با آمریکایی‌ها، همگرایی آن‌ها با یکدیگر را سخت‌تر می‌کند و ونزوئلا را از موهبت همکاری یک واسطه دور می‌سازد.

شکاف در طبقه حکومتی هیچ رهبری قدرت مطلق نیست. همه رهبران باید در شبکه‌ای از مقامات احزاب حکومت کنند؛ کسانی سیاسی یا تجاری، کسانی که با اتحاد، بدنه نخبگان مدنی را تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ، این بدنه، رهبران را ترغیب یا وادار کردند که تغییر مسیر دهند. نخبگان تجاری در دوره آپارتاید آفریقای جنوبی از ترس انزوا بین‌المللی تخریب اقتصاد، کمک کردند تا دست در دست هم حرکت می‌کنند.

دست در دست هم حرکت می‌کنند.

بدنه رهبری مجاب شود که به سمت دموکراسی تغییر مسیر دهند. اما طبقه حاکم ونزوئلا توانسته به اجماع برای حمایت از مادورو یا مخالفت با وی برسد. بن‌بست بین‌المللی به معنای حمایت بین‌المللی باشند. در یک سو ایالات متحده و چند کشور آمریکای لاتین از جمله برزیل، بزرگ‌ترین همسایه ونزوئلا، گوایدو را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت برگزیده است. در سمت دیگر کوبا و متحد قدیمی، روسیه، قرار دارند که از مادورو حمایت می‌کنند.

از منظر قدرت‌های خارجی، به رسمیت شناختن گوایدو می‌تواند به معنای یک مداخله یا حتی یک کودتا باشد؛ چراکه به‌صورت الزام‌آوری رهبری را برای مخالفان انتخاب کرده‌اند.

باین حال دولت‌های خارجی معمولاً چنین اقدامی را انجام می‌دهند تا به نظامیان کشور و ن